

کمپین در محکومیت دولت ترکیه و دفاع از کوبانی

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی ص ۲



علیه توطئه های دولت ترکیه و دفاع از مردم کوبانی! حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

دولت ترکیه در کنار دولت اسلامی "داعش" روز بروز حلقه محاصره کوبانی را تنگ تر می کنند! اکنون چند صد کیلومتر مرز مشترک داعش با دولت ترکیه از رقه تا حلب، به جریان فوق ارتجاعی داعش امکان محاصره کانتون و شهر کوبانی را داده است. در حالیکه ائتلاف ریاکار امریکا و ناتو مدعی مبارزه و جنگ علیه داعش هستند، دولت‌های دیگر عضو ائتلاف از جمله عربستان، قطر و ترکیه، آشکارا حمایت مالی و نظامی از داعش را ادامه می دهند. ... ص ۲

بنی صدر و تله مقاومت انقلابی کوبانی

ثریا شهابی ص ۴

اهداف دولت آن ایجاد کنند. بطور واقعی هرچند سال یکبار زمانیکه گند کثافت کاری هایشان در می آید سنا بعنوان نماینده مردم امریکا برای عقب نماندن از قافله و خالی نبودن عریضه گزارشی این چنینی رو میکنند. کارکرد این نوع تبلیغات، پرده پوشی روندهای طبقاتی با اهمیت تری است که پشت پرده پاچه گرفتن های جناح های دولت در جریان است و مستقیما بر شرایط زندگی و مبارزه کارگران و محرومان امریکا و جهان تاثیر میگذارد. ویژگی اصلی این نوع گزارش ها، رسمیت دادن به شکست سلطه خط مشی نئولیبرالی و یکسکه تازی امریکا در سیاست جهان است. ... صفحه ۳

جهان با ما خواهد خندید! فواد عبداللهی

کمیته تحقیقاتی سنای آمریکا گزارشی از شکنجه گاه ها و شکنجه های پناگون و سیا در دوران حاکمیت بوش و دیک چنی در کشورهای متعدد از جمله افغانستان، تایلند و لهستان منتشر کرده است؛ چیزی حدود ۶۰۰۰ صفحه؛ از کوبیدن سر زندانیان به دیوار، نگهداری آنها در سرمای زیر صفر درجه و شکنجه به روش "واتر بوردینگ" تا سوءاستفاده های جنسی، نمونه هایی هستند که در گزارش مربوطه آمده اند.

این نوع گزارش ها مستقل از صحت آن، علیرغم مچ گیری جناحی علیه جناح دیگر در هیات حاکمه امریکا، و اینکه زمام ارگان های حکومتی دست چه کسی است، نه تازگی دارند و نه قرار است چرخش مهمی در بستر اصلی استراتژی بورژوازی امریکا و

معمای اعتصاب در کوشک!

مصطفی اسدپور

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق انعکاس وسیعی در افکار عمومی و رسانه ها پیدا کرد. دویست و شصت معدنچی، نود درصد آنها مشمول قراردادهای موقت، سه ماه حقوق معوقه، شرایط نامناسب کار، تجمع مکرر و اعتراض بیحاصل به کارفرما؛ اینها دیگر جزو داده های شرایط کار در ایران است. دهها هزار مرکز کارگری دیگر با این خصوصیات ابداء عراق نیست. بدنبال وعده های کارفرما و پس از پنج روز کارگران بر سر کار بازگشتند. در مقابل یک سناریوی عادی، تکراری و با پایان قابل پیش بینی؛ اما یک سوال هر بار سمج تر از گذشته خود را مطرح میکند و جواب میخواهد: سحر نهفته در یک اعتصاب کارگری در چیست؟ یک جامعه با قوانین و نظم و نسق اما هر بار با یک اعتصاب تشتت همه جا را فرا میگیرد؟ در گرماگرم اعتصاب پنج روزه معدنچیان کوشک روال کاری مقامات و ادارات دولتی و امنیتی از بافق و یزد تا تهران بهم خورد. جلسات فوق العاده و حضور در جمع کارگران و اظهار نظرهای مربوط و نامربوط را فراوان میشود سراغ گرفت. اما در این میان باید آقای دشت آبادی رئیس اداره کار شهرستان بافق را بعنوان شوخی سال بخاطر سپرد: "پیگیری خواسته های صنفی نباید همراه با اخلال در امور باشد و کارگران نباید بدون هماهنگی با کارفرما کار را به تعطیلی بکشاند؛ در هیچ کجای قانون بحث اعتصاب پیش بینی نشده و تنها اعتراض صنفی در شرایط خاص بدون اخلال در امور مشروع است."

بنا به فیش حقوق ماهانه ایشان، کارگران در زمانیکه در شرایط برده دارانه و با دستمزدهای زیر خط فقر، در شرایط مرگبار امنیتی کار میکنند، سه ماه یکبار دستمزدهایشان پرداخت نمیشود تا آنجایی که کارفرما شکایتی نداشته باشد؛ قانون در حال اجراست. مطابق این قانون کارگران در چهارچوب صنفی حق دارند ناراضی باشند و غر بزنند، آنهم به شرطی که با کارفرما هماهنگ شده باشد و اخلاقی در امور بدنبال نیاورد! ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

کمپین در محکومیت دولت ترکیه و دفاع از کوبانی

تشکلات خارج کشور
حزب حکمتیست - خط رسمی

داعش از طرفی و دولت ترکیه از طرف دیگر هر روز حلقه‌ی محاصره کوبانی را تنگ‌تر می‌کنند. دولت ترکیه بی‌صبرانه در انتظار سقوط کوبانی است. بمباران هوایی ناتو و اعزام واحد کوچکی از نیروهای اقلیم کردستان نمایشی برای ساکت کردن مردم آزادیخواه و مصادره دستاوردهای مردم کوبانی تحت نام مبارزه با داعش است. علیرغم حمایت‌های جهانی از مقاومت زنان و مردان کوبانی در مقابل حمله جریان تروریستی و فوق‌ارتجاعی داعش، کوبانی اکنون تنها از همیشه است. سقوط کوبانی تنها در سکوت بشریت متمدن و آزاد جهان در مقابل توحش داعش و همکاری دولت ترکیه ممکن است.

اکنون فشار سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی بر دولت ترکیه، پشیمان کردن دولت اردوغان از همکاری با داعش و پایان دادن به محاصره نظامی و اقتصادی کوبانی یک ضرورت تاریخی است. فشار شخصیت‌ها، احزاب و سازمان‌ها و مردم آزادیخواه و انسان‌دوست در هر جای دنیا و در یک اقدام جهانی علیه دولت ترکیه می‌تواند به توازن قوا در کوبانی به نفع مدافعان آزادی و انسانیت تغییر پیدا کند.

این فراخوانی است به همه برای تدارک یک جنبش اجتماعی به خصوص در اروپا و خاورمیانه علیه دولت ترکیه و سیاست‌های ارتجاعی آن و در دفاع از کوبانی! حزب حکمتیست همه سازمانها، شخصیت‌های رادیکال، اتحادیه‌های کارگری و همه انسان‌های آزادیخواه را به تلاشی مشترک علیه دولت ترکیه و در حمایت از مردم کوبانی فرامیخواند.

بیابید تا دست به دست هم و در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده با تظاهرات‌ها و آکسیون‌های خود در مقابل دفاتر سفارتها و کنسول‌گریهای این کشور، با فشار به دول غربی و مجامع جهانی، با محکوم کردن سیاست‌های ارتجاعی دولت ترکیه، نشان دهیم کوبانی تنها نیست!

تشکلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط
رسمی) ۱۳ دسامبر ۲۰۱۴

آدرس تماس

khaled.hajim@gmail.com

علیه توطئه‌های ...

در میان آنها دولت ترکیه سنگ تمام گذاشته و در مقابل چشمان نگران بشریت آزادیخواه جهان، توطئه‌های کثیف و جنایتکارانه اش علیه مردم کوبانی را به اجرا در می‌آورد.

دولت ترکیه از طرفی مرزهای مشترکش با داعش را برای رفت و آمد و تامین تدارکات و تسلیحات و وارد کردن داوطلبان به پیوستن به داعش را کاملاً باز گذاشته و از طرف دیگر مرز کوچک و باقیمانده از محاصره کوبانی را به روی زنان و مردان و کودکان این شهر که با جنگ و دندان از امنیت و آزادی و جان و حرمت انسانی شان در مقابل توحش داعش، دفاع می‌کنند را کاملاً بسته و از هرگونه رفت آمد و کمک رسانی به این مردم ممانعت بعمل می‌آورد. تا کنون چندین نفر در این مرز توسط گشتی‌های ارتش ترکیه کشته و زخمی شده‌اند.

دولت ترکیه در آخرین اقدام و همکاری جنایتکارانه با داعش، ماشین حامل مواد منفجره و نیروهای مسلح این جریان را از خاک خودش به دروازه شهر کوبانی عبور داده که به کشته و زخمی شدن ده‌ها تن از مبارزین و ساکنان این شهر انجامید.

این واقعیات آشکار، نشان داده‌اند که دولت اردوغان با فشار دادن هرچه بیشتر گلولی کوبانی می‌خواهد به هدف کثیف سقوط این شهر که امروزه به نمونه و سمبل مقاومت انسانی در مقابل زور و ارتجاع و جنایات داعش و حامیان بین‌المللی اش از جمله دولت ترکیه تبدیل شده است، برسد.

تجربه مقاومت قهرمانانه یگانهای مدافع خلق و یگان‌های مدافع زنان نشان داده است که داعش به تنهایی نمی‌تواند کوبانی را به زانو در آورد. شکست کوبانی تنها در تداوم توطئه‌ها و دخالت و همکاری دولت ترکیه با داعش امکان‌پذیر و محتمل است. بشریت متمدن و آگاه باید جلو این جنایت آشکار را بگیرد!

دولت ترکیه مدتهاست از نیروهای مسلحی که تحت نام ارتش آزاد و غیره سازمان داده است برای سرنگوی بشار اسد ناامید شده و اکنون انجام این کار را در ناصیه داعش می‌بیند و می‌خواهد در همکاری با این جریان ضد انسانی به آرزوی حذف رقیب خود در همسایگی اش رسیده و دولت اسلامی متحد خود در سراسر سوریه را سر کار بیاورد. این‌ها واقعیات بی‌برو برگردی هستند که در مقابل چشمان دنیای متمدن و آزاد جهان اتفاق می‌افتد.

باید جلو این سناریوی سیاه‌تر از شرایط کنونی در

منطقه و بویژه در سوریه که توسط دولت ترکیه سازماندهی و رهبری می‌شود، ایستاد.

رهبران مبارزه و مقاومت مردم کوبانی تخمین زده‌اند که با موجودی کنونی مواد غذایی، آب و سوخت، مردم کوبانی نمی‌توانند مدت طولانی زنده بمانند. اکنون علاوه بر مبارزین مسلح شهر، هزاران زن و مرد و کودک در این شهر زیر حملات داعش و محاصره ارتش ترکیه زندگی می‌کنند. مردم کوبانی از جامعه بین‌المللی می‌خواهند که، یک مسیر (کریدور) برای کمک‌های بشردوستانه تحت کنترل مجامع بین‌المللی ایجاد شود، هیاتی بین‌المللی برای بررسی وضعیت کوبانی اعزام گردد، به تامین و عرضه مواد غذایی و آب آشامیدنی مردم کمک شود و تیم‌های بین‌المللی پزشکی برای مراقبت‌های درمانی اعزام گردد...

این خواسته‌های انسانی تنها با شکستن محاصره کوبانی توسط تانک‌های ارتش ترکیه ممکن است. فشار افکار عمومی بین‌المللی و اعتراض و خواست طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر جهان، می‌تواند و باید دولت ترکیه را به برداشتن موانع بر سر راه اجرای خواسته‌های مردم کوبانی مجبور کند! بشریت آگاه جهان امروز در مقابل مسئولیت تاریخی مبارزه علیه محاصره اقتصادی و نظامی با شرکت و حمایت دولت ترکیه علیه کودکان، زنان و مردان مبارز و آزادیخواه کوبانی قرار دارد!

حزب حکمتیست، دولت ترکیه را به خاطر همدستی با داعش برای به شکست کشاندن کوبانی، محکوم می‌کند. داعش بدون تسلیحات و پول ناتو و عربستان سعودی و قطر و ترکیه، امکان حیات نداشت. امروز اما، این دولت ترکیه است که در راس دول ارتجاعی، مستقیماً داعش را حمایت می‌کند و در جنگ داعش با مردم کوبانی، رسماً از داعش حمایت می‌کند.

حزب حکمتیست، همگان را به اعتراض به دولت ترکیه به خاطر سرکوب جنبش حمایتی از کوبانی، به خاطر بستن راه ورود و خروج از کوبانی از طریق ترکیه، به خاطر کمک‌های تسلیحاتی و مالی به داعش، فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط
رسمی)

۷ آذر ۱۳۹۳ - ۹ دسامبر ۲۰۱۴

مرکز جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

معمای ...

خالی از لطف نمی‌بود اگر پوزخند رئیس بخش امنیتی شهر ضمیمه این گزارش منتشر میشد. اما جا دارد بابت تفسیر روشن قانون از ایشان متشکر بود. موضوع اینجاست که با اعتصاب کارگران از این قانون جز یک قاب دستمال بی ارزش چیزی باقی نمی‌ماند. با این اعتصاب منطق، استدلال، سلسله مراتب، انتظارات و چشم اندازها و همه چیز رنگ دیگری میشود. از همان دریچه محدود شش گزارش خبری منتشر شده توسط ایلنا میتوان به دینامیزم و تاثیرات اعتصاب کارگری پی برد.

با اعلام شروع اعتصاب دنیای متفاوتی بر روی کارگران باز شد. در این دنیا حفظ اتحاد سنگ بنا بود. سازمان نقش هوا و تنفس برای زنده ماندن را داشت. معدن دیگر نه جایی برای فرسودگی و استثمار بلکه محل و ابزاری برای ابراز قدرت را یافته بود. "شصت سال است ما و پدرمان در این معدن جان می‌کنیم، چرا سهم ما از زندگی اینست؟" در یک چشم بهم زدن موضوع دستمزدهای عقب افتاده تبدیل به یک لیست بلند بالا میگردد، سطح دستمزدها، ایمنی کار، مزایا، ساعات کار، مسکن، تحصیل کودکان و ... از صبح روز اعتصاب باید با کارگر مذاکره کرد، باید دفتر و دستک کارخانه و سود و زیان آنرا رو کرد. ابتدا اتفاقی نیست که هر اعتصابی پای دولت را بمیان میکشد. قدرتی که کارگران از اتحاد خود لمس میکنند با صغرا کبرای رئیس اداره محلی اداره کار و با خط و نشان کشیدن ماموران امنیتی عقب نمینشینند. قانون اولین قربانی مصافی است که

کارگر اعتصابی به آن وارد میگردد.

دو کلمه، اعتصاب و بافق کافی بود که خواب را به بزرگان حکومت حرام کند. وزرای معادن و مسئولان وزارتخانه های بغلی بهمراه یک دوجین نماینده مجلس آماده پذیرش کارگران و نمایندگانشان شدند. ماموران ویژه اعزام شدند تا گوش جناب صاحب معدن را بکشند و هر چه زودتر غائله خوابانده شود. نیازی به هوش و ذکاوت و سوابق امنیتی مسئولان حکومتی نیست که تشخیص داد این اعتصاب در بستر اعتصاب بزرگ معادن چغارت و توطئه های سردواندن کارگران منطقه باروتی است که میتواند منطقه را ببوشاند. چند روز اعتصاب مجال زنده شدن سوالات و مباحث مهمی در میان کارگران معادن منطقه بود: اگر کارگران کوشک از اعتصاب معدنچیان چغارت حمایت کرده بودند ... اگر کارگران یکی دو معدن دیگر از کوشک حمایت کنند ...

اعتصاب معدنچیان کوشک با موفقیت پایان نیافت. این حرکت فرصت نکرد، از تمایل و بلند پروازی و انسجام و اعتماد بنفس لازم برای دستیابی به خواسته های ضروری کارگران برخوردار نبود. اما اهمیت و موفقیت این اعتصاب را باید در فضای سیاسی ایران جستجو کرد. ایکاش کارگران معدن کوشک یک گوشه کوچک از پژواک سیاسی حرکت خود را در دل همگی احزاب، رسانه ها، محافل کارگری و صد البته در واکنش دستگاهها دولتی لمس کرده و در محاسبات خود برای اعتصاب و رسیدن به خواسته هایشان وارد میساختند.

بروایت تصاویر در گذر پنجاه سال از کوههای بلند کوشک گودال عظیمی به عمق ششصد متر بجا مانده است. دویست و پنجاه کارگر هر روز خود را به کف بخش رو باز معدن رسانده و سپس ۴۲ کیلومتر تونل بخش زیر زمینی را پشت سر میگذارند. نفس این ارقام شگفت آور بنظر میرسد. تصاویر یکی پس از دیگری نه گویای قدرت فکری و تکنیکی انسان و یا پیروزی ماشین بر سر سختی طبیعت، هرگز، بلکه گویای دست و پنجه نرم کردن کارگرانی است که به قیمت فرسودگی شدید و با تحمل ریسک بسیار از جان خود مایه میگذارند. هر وجب این خاک بوی خون و عرق با بوی زنده سرب خام نیستی و تباهی را به ذهن متبادر میکند. در سایت سازمان بورس تهران معدن کوشک جزو سهام کم ریسک بحساب آمده و با قریب دو میلیون تن ذخیره سرب و روی چشم انداز خوبی برای این معدن پیش بینی میشود. سود و چشم انداز روشن ذکر شده تنها از طریق کارگر ارزان استوار است.

کوشک نمونه گویای شرایط جهنمی کار طبقه کارگر ایران در سر پا نگه داشتن سود و سرمایه و دولت آنهاست. سوال اینستکه چرا طبقه کارگر باید به نکت این حکومت و "چشم اندازهای روشن" بورس آن تن بدهد؟ تا کی؟ طبقه کارگر در ایران تنها نیرویی است که میتواند و چاره ای ندارد که کل این نظام را بگور بسپارد. نجات معدنچیان کوشک از جمله با بستن این معدن در طی یک انقلاب کارگری ممکن خواهد شد.

جهان با ما ...

همگان میدانند که بساط کثیف و خون آلود نئوکان- ریگانی جهت ادامه نظم نوینی که در آن کاپیتالیسم تمام چهره وحشی خود را به نمایش بگذارد، روز به روز در حال جمع شدن است. رجعت سرمایه داری، همانگونه که مارکس گفت، به آتش و خونی است که در میان آن زاده شد و جنبش کارگری - سوسیالیستی جهانی را به عقب رانده بود. برآمدن نظم نوینی بود که بیش از دو دهه پیش منصور حکمت طلوع خونین آن را اعلام کرد. طلوعی که امروز به "غروب خونین نظم نوین جهانی" رسیده است. معلوم شد که هیچ مقدار از سیاست جنگ افروزی و تجاوز و تحریم، فرو رفتن اقتصاد آمریکا در کام بحران و افت هژمونی جهانی آن را کاهش نخواهد داد.

افت مکان و مقام اول آمریکا در اقتصاد و سیاست جهان پس از سقوط شوروی، تلاش برای درک آنچه در این قطب مهم جهانی می گذرد به مشغله همه بدل شده است. سوال اساسی اینست: پایان این دوره، آغاز کدام دوره است؟ در حالیکه بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت کره زمین گرسنه اند و روزی نیست که هزاران نفر از این خیل عظیم به امید لقمه ای نان چشم بر جهان فرو نیندند؛ در حالیکه بیش از دو میلیارد از مردم جهان ما تنها با مزد یک دلار در روز کار می کنند و چندان امیدی به فردای خود ندارند؛ در حالیکه مرگ جانکاه از بی سرپناهی و گرسنگی، بیش از مجموع کشته شدگان تمامی جنگها در دویصد

سال گذشته جهان بوده است؛ در حالیکه بیکاری، زندگی زیر خط فقر و به کار کشیدن کودکان در کارگاه ها، معادن و کشتزارها با چهره هایی خاموش و دست هایی گره کرده بر شانس بد زندگی خود مشت می کوبند و در حالیکه جهانی که شکاف و فاصله دارا و ندار اش را در برابر چشمان حیرت زده همه با سرعت نور می پیماید، ایا جامه ای نو بر تن نظمی کهنه تحت سلطه بلامنازع سرمایه داری بازار که از همه مرزهای سیه روزی و تباهی عبور کرده و در برابر بشریت ایستاده است، امکانپذیر است؟! ایا بار دیگر دیالوگ سازی بورژوازی جهانی همراه با ابزارهای موجود قدرت دولتی و مغزشوئی میدیایی و دینی، با سوار شدن بر امواج نفرت و ناراضی مردم از سیاستهای سرمایه داری بازار، به سطوح تازه ای از نبوغ و ایجاز می رسد؟! ایا اینها دوباره درمان می یابند و قهرمانان و دولتیان و مردم و کارگران راه یک تن واحد در یک کیسه خواهند کرد؟! ایا قرار است دوباره دهها میلیون نفر در خیابانها برای سیاستمداران و بوروکراتها، شادی و هلهله کنند و محبوبیت آقا یا خانم ریس جمهور را به اوج برسانند؟!

در سر راه طبقه کارگر، دهها میلیون فقیر و گرسنه قرار گرفته؛ در کنار آسمانخراشهای مجلل، گتوها و محلات کثیف مملو از فحشا و جنایت و مواد مخدر بپا شده؛ در مقابل چشمان این طبقه، میلیون ها کارگر اخراج شده و بیکار رژه میروند؛ از خود می پرسد: این شکست ها و پیروزی ها، این خیر و شر

بپا کردنها، این قهرمانان سازی ها و صحنه پردازی ها، این غرور و افتخارات ملی و میهنی، این جنگ ها، مال چه کسانی هستند؟

از زاویه طبقه کارگر جهانی و کمونیسیم قرن بیست و یکم، دوره آتی دوره حاد شدن تضاد اجتماعی کار و سرمایه در همه ابعاد آن است. طبل آغاز نبردهای طبقاتی تعیین کننده با یورش کل طبقه سرمایه دار به معیشت، دستاوردها، سنگرها و مبارزات جاری طبقه کارگر جهانی، از کشورهای پیشرفته آمریکای شمالی و اروپا تا عقب مانده ترین و فقیرزده ترین مناطق دنیا به صدا در آمده است. صدایی زمخت که به هیچوجه نمیتوان آن را نشنیده گرفت و دنبال کار جانکاه و تیره بختی ادامه دار روزمره رفت. برعکس، باید چشم در چشم آن دوخت و آگاهانه راه پیروزی کارگران، راه نجات بشریت را در این نبرد طبقاتی نشان داد، و با پراتیک متحدانه تا هدف نهایی ادامه داد. این، امر احزاب کمونیستی طبقه کارگر در دوره کنونی است. علاوه بر این، زمان مناسبی است که خواستار به محاکمه کشیدن بوش ها و اوباماها و دک چنی ها و رامسفیلدها به جرم جنایت علیه بشریت شد. تمام دیکتاتورهای دنیا تحت حمایت اینها به قدرت رسیدند و بعضا در قدرت مانده اند.

بگذارد امروز آنان که از باطلاق وضع موجود تغذیه می کنند و جز در حقارت نمی توانند بزیند، به ما و این رویا ها بختند. فردا جهان با ما خواهد خندید.

بنی صدر و تله مقاومت انقلابی کوبانی

ثریا شهابی

محرورمین و از جمله در کردستان ایران و سوریه و ترکیه باید تسلیم قدرت های حاکم باشند. ایشان که خیلی مخالف دخالت هر نوع نیروی خارجی بخصوص "امپریالیستی" است در بن بست پس چه باید کرد! و این نسخه نجات بخش که مردم کوبانی که نباید دست به اسلحه ببرند و دخالت نظامی آمریکا و ناتو هم که تجربه لیبی و عراق و سوریه را پشت سر دارد و در مقابل پس چه باید کرد، سراسیمه یافتیم یافتیم "دخالت هندوستان" را بهترین گزینه برای حل مسئله کوبانی و مقابله با داعش میدانند. نسخه او در مورد داعش و کوبانی بیشتر به جوک شباهت دارد تا یک اظهار نظر رسمی! کسی که حداقلی از تقابل های محلی و بین المللی و بعلاوه فاکتور دخالت های از پائین در تجربه انقلابات مصر و تونس و امروز مقاومت انقلابی و سکولار در کوبانی را در مقابل خود دارد، نسخه بنی صدر را جدی نمی گیرد. این را باید بی هیچ دلیلی به او بخشید. این نه راه حل بلکه حرفی برای خالی نبودن عریضه است و در واقع سر ریسمان تله ای است که بنی صدر با آن خود را به دام مسئله کردستان ایران و نقش او و جهاد جمهوری اسلامی علیه مقاومت انقلابی مشابه کوبانی، در کردستان ایران، در سی و هفت سال پیش میاندازد. همه اظهار نظرها در مورد کوبانی و نسخه های هالیوودی پیچیدن برای نقش نجات بخش هندوستان، برای تغییر مبحث به حکم جهاد داعش های وطنی به رهبری ایشان به کردستان ایران است.

میگوید که: "مردم در کردستان ایران نباید در انقلابی که با گل بر ارتش پیروز شد، مسلح می شدند".

این دروغی بیش نیست. مردم پیش از کردستان در تهران و سایر شهرهای ایران مسلح شده بودند. قیام و تخلیه پادگانها توسط نیروی های انقلابی بدون دستور خمینی و غیرغم مخالفت او که دستور قیام نداده است، در تهران صورت گرفت. ۲۲ بهمن و تسلیم شدن پادگانهای عشرت آباد و عباس آباد، و همچنین اعتصابات کارگران نفت، جایگاه تظاهراتهای تاسوعا و عاشورا و فراخوان های شبکه مساجد را جارو کرد.

حکومت پهلوی نه با گلباران ارتش و ترهاتی از این دست که با قیام سرنگون شد. و این علیرغم توافقات در گوادالوپ برای دست بدست شدن قدرت بین شاه و خمینی بود. آقای خمینی و بنی صدر همانقدر وارداتی و دست ساز پنتاگون و غرب اند که داعش امروز است. میگوید که: "به وساطت ایشان کومله و دمکرات قبول کرده بودند که اگر امام فرمان عفو صادر کند آنها اسلحه ها را زمین خواهند گذاشت".

بازهم دروغ میگوید. نه جمهوری اسلامی و امام آن فرمانده کل قوای مسلح اش که عبارت باشد از آقای بنی صدر در چنین موقعیتی بودند که بتوانند

برای بدام انداختن حیوانات مودی، شکارچیان از نوع خاصی از تور بعنوان تله استفاده میکنند که حیوان مربوطه با قدم گذاشتن در آن موجب جمع شدن دو طرف ریسمان تور و بدام افتادن خود میشود. ما بدون اینکه توری برای ابوالحسن بین صدر پهن کرده باشیم او با وارد شدن به میدان اظهار نظر در مورد مسئله مقاومت کوبانی و یادآوری مقاومت در کردستان ایران در زمان صدارت ایشان، خود را در چنگال تور زخمیمی گرفتار کرده است. بنی صدر، رئیس جمهور حذف شده جمهوری اسلامی ایران، شاید جزو آخرین عناصری باشد که صلاحیت یافتن راه حلی برای مصایب مردم کردستان ایران را دارد. این را خود خوب میدانند، از این روست که از راه "چاره جویی" برای یافتن کمک به کوبانی وارد شده است تا از یک طرف جایگاه خود در تحرکات "داعش ایران" سی و چند سال پیش در کردستان ایران را پنهان کند و از طرف دیگر همان سیاست را علیه مقاومت امروز کوبانی در مقابل توحش داعش، از در دیگری وارد کند. تصور نمی شود که در میدان وسیع بازیگران منطقه ای و جهانی بر سر آینده خاورمیانه، اظهار نظرها و مشورت های بی مایه امثال بنی صدر، خریداری داشته باشد. اما از آنجا که بنی صدر به بهانه یک اظهار نظر در مورد کوبانی، تاریخ جنگ خود و خمینی علیه انقلاب ناتمام ۵۷ و مقاومت انقلابی در کردستان ایران در اوان شکل گیری جمهوری اسلامی ایران را تحریف میکند، و جالب تر اینکه به نحو شعیبه بازانه ای شخص ایشان بعنوان قهرمان آن تاریخ از کلاه بیرون می جهد، گفته های بنی صدر را نباید بدون پاسخ گذاشت. بنی صدر البته با دلگرمی از غش و ضعف کردن صف وسیعی از بورژوا - ناسیونالیست های ایرانی به دامن "مقام معظم رهبری" و دولت "امید و اعتدال" با آرزوی گسترش میدان عمل سیاسی - نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی در خاورمیانه، و با این توهم که ریشه شاهدان زنده تجربه جهاد خمینی علیه مردم آزادیخواه در کردستان ایران خشکیده باشد، هر دروغی که ممکن باشد را سرهم بندی میکند و تلاش میکند که آن را بعنوان تاریخ به خورد خوانندگان خود بدهد. او در پاسخ به سؤالیهای مصاحبه ای تحت عنوان "کوبانی و کرد" که ۱۶ مهر ۹۳ در سایت انقلاب اسلامی منتشر شده است، پس از قلم فرسایی در باب ناسیونالیسم قرن و خصلت های تفرقه افکنانه آن، که طبعاً ناسیونالیسم در اپوزیسیون و نه در قدرت های حاکم را میفرمایند، بطور خلاصه میگوید که: در کوبانی مقاومت مسلحانه بی معنی است، دست به اسلحه بردن توسط محرومین در هر جامعه ای، و در این مورد مردم کرد زبان، حتی علیه داعش بی معنی است. بی فایده و مضر است! این را کردستان ایران زمان زمامداری کوتاه او تجربه کرده است. همه

مردم در کردستان ایران و سایر شهرهای ایران را خلع سلاح کنند و نه اجازه داشتند بعد از جنایات حمله به مردم بی دفاع و کشتار وسیع آنها در کردستان، شکر میل کنند و با زبان عفو دیالوگ کنند. بطور واقعی مسئله نه "عفو عمومی امام" و فرمانده کل قوا و خلع سلاح مردم مسلح در کردستان که مذاکره بین دو نیرو بود. یک طرف نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی و طرف دیگر نیروی مسلح توده ای که به چیزی جز خروج اشغالگران رضایت نمیداد. آقای بنی صدر فراموش میکند که نیروهایش که قرار بود تا سرکوب کامل کردستان چکمه از پا در نیآورند پس از ده سال جنگ در کردستان در مقابل مقاومت مسلحانه و توده ای مردم کردستان فلج شده بودند.

خرداد شصت و کودتای داخلی علیه جناحی از حاکمیت، که آقای بنی صدر در راس آن بود، همچنین موهبت الهی جنگ ایران و عراق، به حکومت آقای بنی صدر و شرکای آن امکان داد که با کشتارهای وسیع و براه اندازی هالوکاست های اسلامی مردم را در تهران و سایر شهرهای ایران خلع سلاح کنند و تشکل ها و احزاب و سازمانها و روزنامه هایشان را تماما جمع کنند. پروسه ای که بیش از ده سال به طول انجامید.

آقای بنی صدر در دفاع از داعش ۳۷ سال قبل در ایران که ایشان افتخار فرماندهی کل قوا آن را داشتند، خود را در تله سختی گرفتار میکنند. او که از صدور فتوا نرم علیه خطر موی سر زنان تا فرماندهی نظامی ارتش در حمله به کفار، در جنگ علیه دستاوردهای انقلاب فعالانه شرکت داشت، کسی که رئیس جمهور داعش های ایران بود، ناشیانه از کیس کوبانی برای توجیه جنایات آن دوره از تاریخ سیاه از حاکمیت خود استفاده میکند. تعارفات در مورد جنایات خمینی، که بیشتر رنجیدگی او از کودتای داخلی علیه ریاست جمهوری خود او است، را نباید جدی گرفت.

بنی صدر در مقامی نیست که صلاحیتی برای چاره جویی نجات کوبانی و مقابله با داعش داشته باشد. او چاره ای ندارد که خجولانه به دخالت ایران امید ببندد.

بنی صدر با تمام پرت و پلا گویی ها، یک واقعیت را خوب متوجه شده است. مقاومت انقلابی که در کوبانی علیه داعش در جریان است، از جنس مقاومتی است که در کردستان ایران توسط نیروهای کمونیست و آزادیخواه و مترقی علیه داعش های ایرانی در جریان بود. دفاع از کوبانی و مشروعیت دفاع انقلابی و انسانی و مدرن و متمدانه آن، مهر باطلی است بر پیشانی حکومت دیروز آقای بنی صدر و شرکای او! بنی صدر با خامنه ای و روحانی در این تناقض شریک است.

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com